





دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه تاریخ

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

عنوان:

روابط سیاسی و نظامی ایران و عثمانی از دوره صفویان تا دوره قاجار

استاد راهنما:

دکتر حبیب ارجمندزاده

تنظیم و نگارش:

محمدطاهر سنجاقی

زمستان ۹۳

سپاس و تقدیر:

نهال را «باران» تا سیرابش کند از آب حیات و «آفتاب» باید تا تاباند نیرو را و محکم کند شاخه های تازه روئیده را.

بسی شایسته است از استاد فرهیخته و فرزانه ام، جناب آقای دکتر «حسین ارجمندزاده» که راهبها و راهگشای نگارنده در تمام و اکمال این رساله بوده اند، تقدیر و

تشکر نمایم. آموزگاری که برایم زندگی، بودن و انسان بودن را معنا کرد. برای ایشان سلامتی و سرفرازی از درگاه خداوند منان را از صمیم قلب

آرزو مندم. همچنین از دیگر اساتید گروه تاریخ که از محضرشان بهره برده ام، کمال سپاس و تشکر را دارم.

چکیده

با تأسیس سلسله صفوی در سال ۹۰۷ ه.ق / ۱۵۰۱ م، عثمانی‌ها آن را رقیبی تلقی کردند که موجودیت آنان را تهدید می‌کرد. در طی مدت بیش از دو سده حاکمیت صفوی، بین این دو حکومت کشمکش دامنه‌داری ایجاد گردید که پیامدهای ناگواری برای هر دو طرف داشت.

در این مقطع، عثمانی دشمن مشترک اروپا و ایران محسوب می‌شد و همین امر می‌توانست باعث همگرایی دول اروپایی و ایران علیه عثمانی گردد. با سقوط صفویان در سال ۱۱۳۵ ه.ق / ۱۷۲۲ م، ایران در وضعیتی آشفته قرار گرفت. در چنین وضعیتی نادر توانست بار دیگر به عنوان رقیب عثمانی، وارد عرصه قدرت شود. هر چند مدت حکومت نادر کم بود ولی تأثیراتی شگرف در روابط بین‌الملل داشت. بعد از مرگ نادر و هرج و مرج به وجود آمده، کریم خان زند توانست به عنوان حاکم اصلی ایران قدرت را به دست بگیرد. روابط سیاسی و نظامی ایران با عثمانی در زمان خان زند، با فتح بندر بصره توسط قوای ایرانی به نقطه اوج خود رسید. این رساله بر این است که روابط ایران و عثمانی را از ابتدای تشکیل حکومت صفوی تا سقوط حکومت زندیه مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

سوال اصلی این است که، روابط ایران و عثمانی در دوره صفویان، افشاریان و زندیان چگونه بوده است؟ روابط ایران با عثمانی طی این مدت بیشتر در قالب جنگ‌ها و اختلافات مذهبی بوده است.

واژگان کلیدی: روابط سیاسی، نظامی، صفویان، افشار، زندیه، عثمانی، ایران.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات

۱-۱. مقدمه	۵
۱-۲. بیان مسأله	۷
۱-۳. سوال اصلی	۸
۱-۴. سوالات فرعی	۸
۱-۵. فرضیات	۸
۱-۶. پیشینه پژوهش	۹
۱-۷. اهداف پژوهش	۹
۱-۸. روش تحقیق	۱۰
۱-۹. نقد و بررسی منابع	۱۰

فصل دوم: روابط سیاسی و نظامی ایران با عثمانی تا دوره شاه صفی

۲-۱. اوضاع ایران در عصر آق‌قویونلوها	۱۵
۲-۲. روابط سیاسی و نظامی صفویان با دولت عثمانی	۱۸
۲-۳. طریقت صفوی و تکاپوی بزرگان آن برای رسیدن به قدرت	۱۹
۲-۴. دلایل اهمیت تاریخی سلسله صفویه	۲۳
۲-۵. تشکیل دولت صفویه	۲۶
۲-۶. مکاتبات بین شاه اسماعیل و سلاطین عثمانی	۳۱
۲-۷. دوره شاه طهماسب اول	۳۶
۲-۸. تأثیر روابط عثمانیان و ازبکان بر حیات دولت صفوی در عصر شاه طهماسب	۴۳
۲-۹. دوره شاه عباس اول	۴۵
۲-۱۰. اهداف و مراحل استراتژیک شاه عباس اول	۴۷

۱۱-۲. شاه عباس و عثمانیان..... ۴۸

فصل سوم: روابط صفویان با عثمانیان از سلطنت شاه صفی تا سقوط صفویان

۱-۳. دوره شاه صفی..... ۵۵

۲-۳. جنگهای بین‌النهرین..... ۵۶

۳-۳. معاهده ذهاب..... ۶۲

۴-۳. روابط صفوی و عثمانی بعد از معاهده ذهاب..... ۶۶

۵-۳. دوره شاه عباس دوم..... ۶۷

۶-۳. عصر سلطنت شاه سلیمان..... ۶۸

۷-۳. دوره شاه سلطان حسین..... ۶۹

فصل چهارم: روابط سیاسی و نظامی ایران و عثمانی تا سقوط افشاریه

۱-۴. سقوط صفویان..... ۷۵

۲-۴. واکنش عثمانی نسبت به سقوط دولت صفوی..... ۷۶

۳-۴. افغانها در ایران..... ۷۷

۴-۴. اقدامات افغانها برای توافق با دولت عثمانی..... ۷۹

۵-۴. ظهور نادر قلی بیگ و اخراج افغانها از ایران..... ۸۲

۶-۴. قرارداد بین شاه طهماسب دوم و روسیه..... ۸۵

۷-۴. مناسبات ایران و عثمانی در دوره شاه طهماسب دوم..... ۸۷

۸-۴. خلع شاه طهماسب دوم و اعلام سلطنت نادر شاه..... ۸۹

۹-۴. نادر شاه و ارتباط با دولت عثمانی..... ۹۵

فصل پنجم: روابط سیاسی و نظامی زندیان با عثمانیان

۱-۵. کریم خان زند در راه رسیدن به قدرت..... ۹۹

۲-۵. اهمیت بصره و بغداد در روابط ایران و عثمانی در دوره کریم خان..... ۱۰۲

۳-۵. انگیزه های کریم خان زند برای لشکر کشی به بصره..... ۱۰۵

۴-۵. تیرگی روابط ایران و عثمانی..... ۱۱۲

نتیجه گیری..... ۱۲۰

کتابنامه..... ۱۲۳

چکیده انگلیسی..... ۱۲۹

فصل اول

کلیات

۱-۱. مقدمه

با توجه به روابط خارجی ایران با همسایگان خود در طول تاریخ و مقاومت‌هایی که مردم این مرز و بوم در برابر تهاجمات بیگانگان از خود نشان داده‌اند، بررسی این روابط بسیار حائز اهمیت می‌باشد. یکی از این قدرت‌ها که باید روابطش را با کشورمان، بررسی نماییم، امپراطوری عثمانی می‌باشد.

در سده نهم هجری قمری با افزایش تدریجی گسترش امپراطوری عثمانی در سراسر آسیای صغیر، بالکان، شام و توسعه آن به سوی شرق ایران نوید ظهور جهانی را می‌داد که ظاهراً مانعی معنوی و سیاسی برای این گسترش دیده نمی‌شد. اما ظهور دولت صفوی در ایران ناگهان این وضع را برهم زد. دولت صفوی با آرمان‌های مذهبی و سرشار از جذبه و عاطفه شدید دینی تشکیل شد که با بسیاری از آرمان‌های عمیق نهانی مردم ایران موافق بود. با این حال اقتدار عثمانیان و توسعه سرزمین‌های آنان برای ایرانیان نیز می‌توانست خطر آفرین باشد.

دولت عثمانی و دولت صفوی هر دو بر اساس مذهب تشکیل شده بودند و از ابتدا خشم، نفرت و دشمنی بر روابط آن‌ها حکم فرما بود و این دشمنی با جنگ‌های متعددی که بعداً در گرفت، شکل دیگری به خود گرفت. امپراطوری عثمانی هرچند در این زمان، از دوران اوج خویش فاصله گرفته بود اما اوضاع آشفته اواخر صفوی شرایط را برای برتری به رقیب خویش و تصرف شهرهای غربی ایران فراهم بود. بر همین اساس شاهد توافق افغان‌ها با عثمانی و همچنین شاهد توافق عثمانی و روسیه برای تقسیم ایران در این دوران هستیم.

با روی کار آمدن سلسله افشار، عصر تازه‌ای در مناسبات سیاسی و روابط بین‌الملل پایه گذاری شد که همپای شهرت نادر، شخصیت قاطع یافت. پس سقوط صفویان و قرارداد تقسیم ایران بین عثمانی و روس‌ها، ایران از دو لحاظ برای خودسری حکام فراهم کرده بود، اول اینکه قدرت مرکزی به صورت سابق وجود نداشت و دوم حکومت افغان‌هایی که ایرانیان، آن‌ها را وحشی می‌دانستند. در این دوره نیز شاهد درگیری بین ایران و عثمانی‌ها هستیم.

پس از نادر تا روی کار آمدن کریم خان زند باز شاهد بی‌سر و سامانی و اغتشاش‌های داخلی از سوی بازماندگان و مدعیان سلطنت هستیم هرچند امپراطوری عثمانی نیز از زمان محمود اول دچار افول شده بود و چاره‌ای جز انعقاد قراردادها و معاهدات با کشورهای اروپایی و ایران نداشت.

در دوران کریم خان نیز معاهده کردان که در سال ۱۱۵۹ ه.ق بین ایران و عثمانی که تأکیدی بر معاهده زهاب سال ۱۰۴۹ ه.ق بود معتبر شمرده می‌شد اما به دلایل خاصی نظیر مساله زایران، مسایل اقتصادی، سیاسی و نظامی و ... انگیزه‌هایی برای حمله به بصره و همچنین سرکوب شورش‌های قبایل بنی کعب، بنی منتفق، جواسیم، بنی هولہ و ... در بندر بوشهر، خارک، بندر عباس را ایجاد نمود. کریم خان خواسته‌های تاریخی در خصوص تصرف بین‌النهرین را تحقق بخشید و توانست بندر بوشهر را نیز به یک بندر تجاری تبدیل نماید.

۲-۱. بیان مساله

دوره صفویه از مهم‌ترین دوران تاریخی ایران محسوب می‌شود، چرا که قریب نهصد سال پس از نابودی حکومت ساسانیان، یک حکومت پادشاهی متمرکز ایرانی توانست بر سراسر ایران آن روزگار فرمانروایی کند. در حقیقت پس از اسلام، چندین حکومت ایرانی مانند صفاریان، سامانیان، آل بویه و سربداران تشکیل شد، ولی هیچکدام نتوانستند تمام ایران را زیر پوشش خود قرار دهند و وحدتی میان مردم ایران به وجود آورند.

صفویان، مذهب شیعه را مذهب رسمی ایران قرار دادند و آن را به عنوان عامل همبستگی ملی ایرانیان برگزیدند. شیوه حکومت صفوی تمرکزگرا و قدرت مطلقه در دست شاه بود. پس از تشکیل حکومت صفویه، ایران اهمیتی بیشتر پیدا کرد و از ثبات و وحدت برخوردار شد و در عرصه جهانی مطرح شد. در این دوره روابط ایران و کشورهای اروپایی به دلیل دشمنی امپراتوری عثمانی با صفویان و نیز مسائل بازرگانی (به ویژه تجارت ابریشم از ایران) گسترش فراوانی یافت. در دوره صفوی (به ویژه نیمه اول آن) جنگ‌های بسیاری میان ایران با حکومت عثمانی در غرب و با ازبک‌ها در شرق کشور رخ داد که علت این جنگ‌ها مسائل ارضی و مذهبی بود.

با روی کار آمدن سلسله افشاریان، عصر تازه‌ای در مناسبات سیاسی و نظامی و اقتصادی ایران و عثمانی به وجود آمد. نادر خود را وارث دستگاه حکومتی صفویه که قریب به ۲۲۸ سال بر ایران فرمانروایی کرده بود، می‌دانست. با تغییر حکومت در ایران، شکل و ماهیت روابط ایران و عثمانی همچنان بر همان روال دوره صفوی استوار بود. در اصل محور روابط سیاسی و نظامی بین دو کشور حول برخوردها و جنگ‌های دوره صفویه بود. می‌توان گفت عثمانی در اواخر دوره صفویه و بعد از معاهده پاسارویچ، به این نتیجه رسیده بود که دیگر نمی‌تواند در اروپا پیشروی داشته باشد، بنابراین طبیعی است که توجه عثمانی بیشتر معطوف شرق و به خصوص ایران شود.

پس از مرگ نادر برای مدتی اوضاع ایران بی‌سروسامان بود. درگیری بر سر قدرت بین سران ایلات مختلف ایران در گوشه و کنار ایران وجود داشت. از میان این درگیری‌ها کریم خان زند توانست بر

رقیبان خود فائق آید و قدرت را در دست بگیرد. در این دوره شاهد برقراری روابط جدید بین عثمانی و ایران هستیم که در پایان امر موجب درگیری نظامی و تصرف بصره در اواخر حکومت خان زند گردید.

۳-۱. سوال اصلی

روابط ایران و عثمانی در دوره صفویان، افشاریان و زندیان چگونه بوده است؟

۴-۱. سوالات فرعی

۱. آیا مذهب نقشی در روابط بین صفویان و عثمانی داشته است؟
۲. هدف نهایی حکومت‌های ایرانی و عثمانی از درگیری‌های زیاد چه چیزی بوده است؟
۳. آیا اوضاع ایران تأثیری در شکل‌گیری روابط با اروپا داشته است؟
۴. مذهب در روابط افشاریان و زندیان با عثمانی چه جایگاهی داشته است؟
۵. تأثیر درگیری‌های زیاد چه نقشی در حضور اروپاییان در منطقه خاورمیانه داشته است؟

۵-۱. فرضیات

فرضیه اصلی

عمده روابط موجود بین حکومت‌های صفوی، افشار و زندیه با عثمانی، بر محور مناسبات نظامی استوار بوده است.

فرضیه‌های فرعی

۱. بیشتر روابط حکومت‌های ایرانی با عثمانی با محوریت درگیری‌های مذهبی بوده است.
۲. نقش مذهب در روابط میان حکومت‌های ایرانی و عثمانی کم‌رنگ‌تر از عوامل اقتصادی و سیاسی بوده است.
۳. بیشتر درگیری‌های بر سر مسایل ارضی بوده است؟

۴. تغییر حکومت‌ها در ایران نقشی در روند مناسبات نداشته است؟

۶-۱. پیشینه پژوهش

در رابطه با روابط حکومت‌های ایرانی و عثمانی، منابع درجه اول و هم منابع متأخر زیادی به بررسی این موضوع پرداخته‌اند. منابع دسته اولی مثل روضه الصفا، گیتی گشا، جهانگشای نادری، عالم آرای امینی، عالم آرای عباسی و بسیاری دیگر از منابع به بیان روابط سیاسی و نظامی پرداخته‌اند. اهمیت این موضوع به حدی است که بسیاری از مورخان اروپایی نیز به این موضوع پرداخته‌اند. مورخان مثل ادوارد براون در کتاب تاریخ ادبیات ایران، راجر سیوری در کتاب ایران در عصر صفوی، مالکم در کتاب تاریخ ایران و ...

پژوهش‌های جدید نیز در زمان حال در این زمینه انجام شده و انجام خواهد شد. اهمیت موضوع به قدری زیاد است که می‌توان گفته آن‌چه تا کنون در مورد این موضوع انجام شده خیلی کم است و هنوز خیلی ابهامات در مورد این مقطع تاریخی دو همسایه وجود دارد. همان‌طور که از موضوع پیدا است، در صدد این هستیم تا روابط ایران و عثمانی را در مباحث دیگر روابط مثل روابط فرهنگی، هنری، اقتصادی و مذهبی را در پناه روابط سیاسی و نظامی ایران با عثمانی در این دوره زمانی مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم.

۷-۱. اهداف پژوهش

اهداف اصلی

هدف اصلی تبیین و بررسی روابط ایران و عثمانیان در دوره صفویان، افشار و زندیه می‌باشد.

اهداف فرعی

این پروژه می‌تواند برای انجام تحقیقاتی بیشتر در زمینه آشنایی، معرفی و درک بهتر روابط حکومت‌های صفوی، افشار و زندیه با عثمانی مورد استفاده قرار گیرد

۸-۱. روش تحقیق

با توجه با ماهیت موضوع، روش انجام این تحقیق عمدتاً توصیفی-تحلیلی است. به این صورت که با مطالعه دقیق کتب مرتبط با تاریخ ایران و عثمانی در دوره صفویه، افشار و زندیه، رویدادها و حوادث اول توصیف شده و بعد مورد تحلیل واقع شده‌اند.

۹-۱. نقد و بررسی منابع

بی هیچ گفت‌وگویی آشکار است که در تصحیح متون، پی بردن به لغزش‌ها و فهم اغلاط راه یافته به متن و اصلاح آن‌ها، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. به گونه‌ای که باید گفت اساساً به همین دلیل است که فن احیای متون را «تصحیح» نام نهاده‌اند. بنابراین، اگر بر فرض محال بپذیریم که متنی می‌تواند بدون مراجعه به نسخه یا نسخه‌های خطی «تصحیح» شود، بدون شک نمی‌توان با وجود اغلاط، نارسایی‌ها و بدخوانی‌های فراوان آن را تصحیح خواند و حق آن است که به چنین کاری «رونویسی شتاب زده و کم دقت» اطلاق شود و همچون نسخه‌ای که کاتبی آن را نگاشته و خود محتاج تصحیح است به حساب آورد.

روضه الصفا

روضه الصفا فی سیره الأنبياء و الملوك و الخلفاء از مشهورترین کتب تاریخ عمومی به زبان فارسی است که آن را محمد بن خاوند شاه معروف به میرخواند (۸۳۷-۹۰۳ ق) به رشته تحریر در آورده است. میرخواند در این کتاب از حوادث تاریخ جهان، از آغاز آفرینش تا روزگار خود یعنی دوران حکومت سلطان حسین بایقرا (۸۴۲ - ۹۱۱ ق) سخن گفته است و چون دست اجل او را از اتمام این اثر باز داشت، نوه دختری اش غیاث الدین خواند میر (۸۸۰-۹۴۲ ق) به تکمیل کار جد خویش اهتمام ورزید و کار او را از شرح تاریخ زندگانی سلطان حسین بایقرا تا حوادث تاریخی سال ۹۲۹ ق ادامه داد. پس از خواند میر نیز رضا قلی خان هدایت (۱۲۱۵-۱۲۸۸ ق) تکمله‌ای بر روضه الصفا با عنوان روضه الصفا ناصری نگاشت و حوادث تاریخی را از آغاز حکومت صفویه تا سال ۱۲۷۰ ق، یعنی هفتمین سال پادشاهی ناصرالدین شاه (۱۲۴۷-۱۳۱۳ ق)، شرح داد.

به هر حال باید افزود خودداری از مأخذیابی در مورد کتابی چون روضه الصفا که مؤلف در جای جای آن به منابع مورد استفاده خود تصریح کرده است و بسیاری از این منابع نیز چاپ شده و در دسترس می‌باشند، نمی‌تواند چندان مورد پذیرش متن پژوهان و صاحب نظران باشد و این نیز نقطه ضعف دیگری

برای این اثر به شمار می رود. استفاده‌ای که از در این رساله از این کتاب شده، بیشتر برای شناساندن صفویان و قدرت‌گیری آنان بوده است.

تاریخ گیتی گشا

تاریخ گیتی گشا کتابی درباره تاریخ زندیه به زبان فارسی است. این کتاب مجموعه‌ای است از سه تألیف: تاریخ گیتی گشا و دو ذیل است که هر کدام نویسنده‌ای جداگانه‌ای دارد. تاریخ گیتی گشا (بخش اول کتاب) نوشته میرزا محمد صادق موسوی اصفهانی (تخلص نامی) است. او که رویدادنگار کریم‌خان زند بود، از سوی کریم‌خان و جعفرخان، برادرزاده کریم‌خان، به نوشتن تاریخ سلسله زندیه مأمور شد. رویدادهای مربوط به جعفرخان و دوران پس از آن به دست شریف و محمد رضا شیرازی تکمیل شده است. رویدادهای یاد شده در کتاب شامل شورش‌های داخلی ایران در برابر کریم‌خان، پیروزی‌های او در استرآباد، آذربایجان، ارومیه و مبارزات تقی‌خان درانی است. افزون بر این گاه به روابط خاندان زند با کشورهای دیگر مانند برخورد با هلندی‌ها و همچنین عثمانی‌ها اشاره شده است. سرانجام نوشته‌های نامی با بیان رویدادهای سال‌های آخر سده ۱۲ق و بازگشت کریم‌خان به اصفهان پایان می‌گیرد.

تاریخ گیتی گشا از مهم‌ترین و معتبرترین اسناد تاریخی زندیه است، زیرا نویسنده آن بسیاری از وقایعی را که خود شاهد آن‌ها بوده، بدون کم و کاست، بیان کرده یا رویداد را از خاطرات و دیده‌ها و نوشته‌های میرزا محمد حسین فراهانی وزیر، گفته است. نشر این کتاب سست و متکلفانه و به شیوه مرسوم برخی تاریخ‌نویسان پس از صفویه، همراه با کنایات و استعاره‌ها و تشبیهات فراوان و جملات زاید است، به طوری که خواننده رشته کلام را از دست می‌دهد.

احسن التواریخ

احسن‌التواریخ کتابی بوده است در دوازده جلد (بنا به ادعای مؤلف) که دو جلد پایانی آن باقی مانده است و اثری از ۱۰ جلد دیگر در هیچیک از کتابخانه‌های جهان به دست نیامده است و ممکن است اصلاً نگاشته نشده باشد. دو جلد موجود درباره تاریخ ایران و برخی مناطق مجاور (از جمله عثمانی، ماوراءالنهر و ترکستان) از سال ۸۰۷ تا ۹۸۵ ق است. نویسنده این کتاب حسن روملو از مورخان و سربازان ایرانی عهد شاه تهماسب یکم صفوی است.

این کتاب وقایع تاریخی را از آغاز پادشاهی شاهرخ - پسر تیمور- در سال ۸۰۷ قمری آغاز می‌کند و به شرح حکومت‌های تیموریان، عثمانی، قراقویونلو، آق‌قویونلو، صفویان، ازبکان یا شیانیان و برخی حکومت‌های جزئی دیگر تا سال ۹۸۵ که مصادف با آغاز پادشاهی شاه محمد خدابنده است می‌پردازد. احسن‌التواریخ مهمترین منبع برای تاریخ ایران در دوران شاه طهماسب یکم صفوی است و در آن شرح حال شاعران و نویسندگان و هنرمندان دوران مذکور آمده است و از این لحاظ، این کتاب فقط به تاریخ سیاسی و جنگ‌ها نمی‌پردازد بلکه تاریخ فرهنگی را نیز مدنظر دارد. این کتاب نثری ساده و روشن دارد و از اشعار فارسی نسبتاً زیادی در متن آورده شده است که برخی سروده خود حسن بیگ روملو است.

عالم آرای عباسی

اسکندر بیک ترکمان، معروف به منشی (۹۶۸ - ۱۰۴۳ هـ ق) نویسنده تاریخ عالم آرای عباسی از مورخان و منشیان شاه عباس اول بود، که دوازده سال پایانی عصر شاه را از ۱۰۲۵ تا ۱۰۳۸ هـ ق در خدمت او گذرانده و در میان مورخان رسمی عصر شاه عباس اول، جایگاه ممتازی دارد. کتاب ارزشمند وی تاریخ عالم آرای عباسی که آغاز نوشتن آن، به سال ۱۰۲۵ هـ ق بوده و بنا به رقابت با تاریخ عالم آرای امینی نوشته شده، بر خلاف آنچه که از عنوان آن مستفاد می‌شود، نه تنها به وقایع عصر شاه عباس اول، بلکه به وقایع قبل از او نیز نظر دارد.

وی که شاهد بیشتر حوادث سیاسی دوران سلطان محمد خدابنده و شاه عباس اول بوده و برخی از مسائل را نیز از افراد دیگر شنیده، خود مدعی است که سعی کرده حقایق را به رشته تحریر درآورد و از سخن پردازی اجتناب نماید، اما در برخی موارد، روحیات ممدوحانه، منشی‌گری و نظامی‌گری او نیز به نوعی در تحلیل وقایع تاثیرگذار بوده است.

روشی که به طور چشمگیر و منظم در بخش عمده ی کتاب عالم آرا (از سال ۹۹۶ تا ۱۰۳۸ هـ ق) و همچنین ذیل تاریخ عالم آرا مشاهده می‌شود «سالنامه نگاری» است. از دیگر روش‌های تاریخ نویسی اسکندر بیک در تاریخ عالم آرا که متأثر از مورخان قبل از او می‌باشد، طرح مقدمه یک واقعه، قبل از شرح تفصیلی آن است. یکی دیگر از روش‌های تاریخ نویسی اسکندر بیک در تاریخ عالم آرا، این است که وی به منظور ممتاز نمودن یک خبر و یا بالعکس، آن را با نمونه‌های مشابه آن در عصر حکومت‌های پیشین

مقایسه می کند. شرح اخبار دیگر ملل نیز از جمله شورش رومی‌ها و کشته شدن سلطان عثمان در سال ۱۰۳۱ ه.ق که بر اساس شنیده‌های اسکندر بیک از ایلچیان رومی می‌باشد.

جهانگشای نادری

کتاب جهانگشای نادری نوشته میرزا مهدی خان منشی استرآبادی - منشی و مورخ نادر شاه افشار- (درگذشت بین ۱۱۷۵ تا ۱۱۸۲ قمری) است. محتوای کتاب درباره تاریخ ایران در اوایل سده ۱۲ خورشیدی/ اواسط سده ۱۲ قمری و زندگی نادر شاه و لشکرکشی‌های وی به مناطق مختلف است. این کتاب نثری فنی و مصنوع دارد و در آن از واژه‌های عربی بسیاری استفاده شده است. این کتاب مهمترین اثر مربوط به تاریخ ایران در زمان نادر است و چون نویسنده از نزدیکان نادر بوده است و حوادث را به چشم خود دیده است، ارزش بسیار بالایی دارد. نام این کتاب در متون تاریخی معاصر آن، تاریخ نادری ضبط شده و ظاهراً بعدها به جهانگشای نادری شهرت یافته است. البته در خود کتاب جهانگشای نادری (ص ۲۹) نام کتاب، «روزنامه‌چه ظفر» ضبط شده است. کتاب، گزارش رویدادهای تاریخی ایران را از ۱۱۲۱ تا ۱۱۶۱ قمری (یک سال پس از مرگ نادر شاه) دربردارد. مؤلف در خاتمه کتاب، به وقایع پس از مرگ نادرشاه اشاره کرده است. مطالب کتاب مختصر و به دور از اطناب کلام و حشو نگاشته شده است و از این جهت و هم از نظر متکلف بودن با نثر ساده - و در عین حال معمولاً پریشان- دوره صفوی که کلام را به درازا می‌کشاند، تفاوت دارد. این کتاب از این جهت که مصنف آن از نزدیکان نادر بوده است و بیشتر حوادث را به چشم خود دیده است، ارزش بالایی دارد. البته محتوای کتاب تاحدودی متملقانه نوشته شده است، به استثنای آخر کتاب که ماجرای قتل نادر و فرزندانش را شرح می‌دهد و بالطبع از خوشامدگویی به دور بوده است.

فصل دوم

روابط سیاسی و نظامی

ایران با عثمانی تا دوره

شاه صفی

۱-۲. اوضاع ایران در عصر آق‌قویونلوها

پس از مرگ تیمور و ضعیف‌شدن جانشینانش، قبایل ترکمن درصدد برآمدند از خود در برابر همسایگان حفاظت کنند. در این زمان در غرب منطقه آن‌ها، دولت عثمانی به سرعت در حال افزایش قدرت و نفوذ بود، در صورتی که در شرق، در سمرقند و هرات، تیموریان به سختی می‌توانستند قدرت خود را بر این قبایل اعمال کنند.

بین دو دولت عثمانی و تیموری، دو گروه از قبایل ترکمن به تدریج در حال قوی شدن بودند: قراقویونلوها در شمال دریاچه وان و آق‌قویونلوها در دیاربکر. مشهورترین فرمانروای سلسله قراقویونلو، جهان‌شاه قرایوسف بود. قدرت و نفوذ ترکمانان آق‌قویونلو نیز از زمانی شروع شد که یکی از سرداران این طایفه به نام عثمان بیک توانست بعضی از سرزمین‌های قلمرو قراقویونلوها را تصرف کند و قلمرو خود را گسترش دهد. او در جنگ آنقره که بین تیمور و بایزید روی داد، به تیمور پیوست. در ازای این خدمت، تیمور دیار بکر را به او واگذار کرد و از همین مکان بود که آق‌قویونلوها قدرت و نفوذ خود را به اطراف افزایش دادند. اوزون حسن در سال ۸۷۲ ه.ق توانست قرایوسف قوی‌ترین و تواناترین فرمانروای سلسله قراقویونلو در عراق و آذربایجان را به قتل برساند. (هیئتس، ۱۳۶۲، صص ۳۲-۳۱)

اوزون حسن در سطح محلی روابط حسنه‌ای با سلسله (طرابوزان) برقرار کرده بود. با فتح قسطنطنیه و سقوط امپراتوری بیزانس به دست سلطان محمد فاتح، عثمانیان به فکر تصرف طرابوزان و براندازی سلسله حاکم بر این منطقه، یعنی کومن‌ها، افتادند. در همان زمان، سلطان محمد فاتح به خضر بیک، فرمانده عثمانی که در «آماسیه» اداره امور مرزی را به عهده داشت، فرمان داد که به طرابوزان حمله کند. خضر بیک همراه سپاهیان به این منطقه حمله کرد و چون حاکم طرابوزان، کالیوآنس در نتیجه حمله شیخ جنید ضعیف شده بود، بدون قشون و آذوقه نمی‌توانست مقاومت کند، بنابراین کار به مذاکره کشید و قرار شد کالیوآنس هر سال سه هزار سکه طلا به‌عنوان باج به سلطان عثمانی تقدیم کند. مدتی بعد امپراتور طرابوزان با برقراری پیوندهای زناشویی با روسای ترکمان اطراف خود، آخرین و ضعیف‌ترین تلاش خود را برای حفظ موقعیت خویش انجام داد. کالیوآنس همواره از این مساله نگران بود که سلطان محمد بلافاصله پس از اتمام نبردهای آلبانی و بلغار، متوجه سرزمینهای شرقی شود و باجی هم که به عثمانی می‌پردازد، تنها بهای مدتی باشد که سلطان به جنگ مشغول است. (فرای، ۱۳۶۸، ص ۴۹) در این اوضاع آشفته تنها می‌توانست به کمک اوزون حسن متکی باشد که در حال افزایش اقتدار خود بود و

می‌توانست برای او متحد مناسبی باشد. با توجه به شرایط حاکم بر منطقه و قدرت فزاینده عثمانی چاره‌ای جز همکاری و اتحاد نداشتند.

مذاکرات سیاسی با پیشنهاد ازدواج اوزون حسن با دختر امپراتور و واگذاری ایالت کاپادوکیه به عنوان جهیزیه خاتمه یافت و کالیوآنس با ازدواج دخترش با اوزون حسن موافقت کرد، زیرا به‌تنهایی قادر نبود با عثمانیان مقابله کند. اوزون‌حسن به منظور یارگیری در مقابل سلطان عثمانی به خانواده شیخ صفی‌الدین اردبیلی نزدیک شد و با شیخ جنید پیمان دوستی بست. (رحیم زاده، ۱۳۴۱، ص ۱۰۴) با توجه به این پیمان معلوم می‌شود که جنید داعیه قدرت دنیوی داشته است. این پیمان می‌توانست در پیشرفت آینده خاندان صفوی موثر افتد. چرا که بعد از این می‌توانستند در پناه ترکمانان آق‌قویونلو، خود را برای به دست گرفتن قدرت مهیا کنند.

تلاش‌های اوزون حسن در گسترش مرزهای شمالی موجب شد او با ارمنیان و گرجیان در ناحیه قفقاز درگیر شود و از سویی در جهت غرب نیز اقدامات او سرانجام به جنگ با سلطان محمد فاتح منتهی گشت. علت به وجود آمدن این خصومت را می‌توان تلاش‌های امپراتور عثمانی برای مطیع کردن غرب اروپا و جمهوری ونیز دانست. فتح قسطنطنیه و سقوط امپراتوری روم به دست عثمانیان، اروپاییان را وحشت‌زده کرده بود و امید دولت‌های مسیحی به اینکه بتوانند به تنهایی در برابر دشمن خطرناکی چون سلطان محمد فاتح مقاومت کنند، بیهوده بود. بنابراین در سال ۸۵۷ ق، پاپ کالیکست سوم یکی از راهبان «فرانسیسکن» به نام لودویکو دابولونیا را به طرابوزان و گرجستان فرستاد تا امرای آن نواحی را علیه ترکان عثمانی تحریک کند. هدف پاپ ایجاد کانون‌های درگیری در شرق بود تا از این طریق از فشار ترکان بر اروپا (غرب) بکاهد. این راهب در بازگشت از ماموریت خود نزد اوزون حسن رفت و او را از نظرهای داود شاه نایب‌السلطنه طرابوزان، آگاه ساخت. داود شاه که فکر می‌کرد اوزون حسن به تنهایی قادر نیست با عثمانی مقابله کند، کوشید همه قبایل و ملل میان قفقاز و دجله را به مبارزه با عثمانیان تشویق کند. (بروکلمان، ۱۳۴۶، ص ۳۹۸)

سلطان محمد فاتح، سرانجام توانست «سینوب» را تصرف کند و آخرین سلسله امرای طرابوزان را در آسیای صغیر که آشکارا تحت حمایت اوزون حسن بودند، در سال ۸۶۵ ق برابر با ۱۴۶۱ م براندازد. (بروکلمان، ۱۳۴۶، ص ۳۹۸) در این زمان اوزون حسن پس از درهم شکستن قراقویونلوها فرمانروای بزرگ